

مایوس شده اند اگر من هم میدانستم نمی آمدم آخر این جا کم کم مین شده کو چرا نیرود نه اینکه امنیت انجام لازم است

حاج سید عبدالعزیز شهبانی - اول
این مطالبی را که انجمنها از مجلس خواستند باید فوری بطور خواستش است یا میخوانند مجلس بکنجاند اگر چه از بعضی شدیم که گفته اند ما این مطالب را که بمجلس عرض کردیم اگر اقدام نکردند تا چهارشنبه و پنجشنبه خودمان خواهیم اقدام کرد بنده عرض میکنم که مجلس تمام امیدوارش به ملت است و ملت باید کوشش با اوامر مجلس باشد نه اینکه خود سرانجام در کار نمایند استعفا می کردند اگر مجلس صلاح دانست قیام اول آنها نباید خودشان بپیل خود رفتار نمایند آنچه مقصود است امنیت داخلی است که جناب آقای میرزا ابوالحسن خان اظهار داشتند از همه مقدمتر است باید در اول مذاکره بداریم نه اینکه بگوئیم قشون ملی لازم است یا نه اگر هم لازم باشد باید زودی صورت نخواهد گرفت پس باید امنیت داخلی را خواست

آقای حاج امام جمعه - بعضی مطالب است که باید مستور باشد و نمی شود گفت ولی در صورتی که کشف شد اظهارش عیبی ندارد من میگویم که امروز هر چه می دانند که مقدمتر از همه امنیت داخلی است و باید این مطلب را همه بدانند که اگر میخوانند این مملکت مملکت اسلام باشد و بانگ اذان در اول بلند باشد یعنی زیر بیرق دیگران نروند و استقلال این مملکت باقی باشد باید همه در حفظ استقلال این مملکت و امنیت آن حاضر باشند که وقت ما خیلی تنگ است و این راهم باید داشت در صورت گرفتن قشون ملی باید یک کروز قشون بگیریم نه کمتر که لاف این اندازه قشون ملی حاضر مشق کرده داشته باشیم به از ان قزو دوست سفر برای ما فایده ندارد و این راهم بدانند که امروزه چنانچه در صدر اسلام بر همه افراد مسلمین واجب و لازم است که مشق و آداب جنگ را بیاموزند تا بتوانند حفظ خود و مملکت خود و دین خود را بنمایند و این مطلب باید زودی و عجله صورت نمیکرد از حالا باید مقدمات آن را در مجلس و وزیر جنگ مهیا و مرتب نمایند تا ایام عید آتوق مشغول این کار بشوند حفظ بیضه اسلام از همه چیز در عالم مقدمتر است و هر گاه امر دائر شود بین وجود نبی اولی یا حفظ بیضه اسلام البته این مقدمتر است چنانچه بیغیر مص و واثم وجود مبارک خود را برای این مسئله فدا می کردند پس هر گاه جماعت مسلمین بخواهند که این مملکت اسلام باقی و برقرار باشد سرباز ملی و قشون داوطلب باید یک کروز آماده باشد آنهم از زودی ترتیب و نظم و صحیح که مجلس وزیر جنگ تصویب نماید

آقای شیخ حسین - بربر روزنامه زحمات کشیده شد کمیسیون ها تشکیل شد برای اینکه مطالب از مجرای خود جاری شود و اوقات مجلس بیهوده نگذرد

آقای سید مهدی - در اول مجلس گفتند که راجع بکمیسیون شود محل توجه نشد این انجمنها سه مسئله خواستند یکی راجع بمجلس است و دو تای دیگری یکی راجع بکمیسیون وزارت جنگ و دیگری راجع به داخله است این مجلس باید وضع قانون کند چرا قانون انطباعات تنفیج نمیشود و این همه تأخیر برای چیست ؟

آقای سید مهدی - از زحمات انجمنها باید اظهار تشکر و امتنان کرد و این صحبتها قدری در باره ایشان سخت و فشار است عقیده بنده این است که حق با آنها است چه کنند به تنگ آمدند آنروز که امر آمدند تقسیم یاد کردند یک اطمینان و مسرتی برای آنها روی داد که همه کارها با تصاد اصلاح خواهد شد بعد از آن فرار شد که یک وجهی بعنوان استراض بنده که با رباب حقوق داده شود و تاکنون داده نشده است در اینصورت هر چه اظهار میکنند حق دارند و باید پایشان جواب صحیح داد

وکیل الرعایا - این لایحه که امروز انجمنها نوشته اند بکندری از آن راجع با قابل است و بعضی جوابها هم داده شده است همه چیز را می شود جلو گیری کرد مگر فهم را که نمیشود گفت تو فهم این بیچاره ها میفهمند که مطلب چیست این است اظهار میدارند آنها فقط اجازه خواستند که مشق نمایند و این مسئله تقریباً مثل تحصیل علم است آیا رواست که این اجازه بآنها داده نشود اینها نه پول خواستند برای ابتکار نه چیز دیگر اما اگر بابت پول فرار بود که یک قدری پول بآنها بدهند که کمک کرده باشند و اما از بابت امنیت حضور وزیر داخله لازم است که جواب صحیح بدهند

لایحه رئیس - خوب است قدری ملاحظه وقت مجلس شده مطالب اینقدر تکرار نشود و نیز نباید از این اظهارات انجمن ها شکوه نمود آنها همه قسم زحمات کشیدند و میکشند حالا مطلبی را پیشنهاد مجلس کرده اند مجلس هم باید پس از فور رسی جواب بدهد و لازم باین اظهارات هم نیست

اسدالله میرزا - فرمایش جناب حاج امام جمعه محل توجه بوده است بنده تمام آراء عرض مینمایم امروز هم در کمیسیون وزارت جنگ که تشکیل شده بود بدو بهمین مذاکره شروع نمودیم و در حقیقت اگر ما بخواهیم که ایران ایران باشد بطوری که آن مورخ یونانی نوشته که ایران همیشه هلس جنگ جو بوده و در استقلال خود کوشش می کرد در کمیسیون مذاکره کردیم که تمام جوانان ایرانی باید قشون نظامی را بدانند و این مسئله باید در کمیسیون مذاکره شده و با وزارت جنگ نقشه آنرا همین نموده لایحه شود و بعد از آن نظامنامه صحیحی نوشته از روی یک اساس صحیح باید اقدام شود آنوقت پس از مدتی می بینیم که تمام جوانان ما نظامی هستند پس بعضی اظهارات نمیشود در این مسئله رای داد تا چند روز دیگر کمیسیون در این خصوص رای خود را بمجلس اظهار می دارد

آقای سید حسین - این خواهش را که انجمنها نمودند جواب میخوانند امنیت داخله هم که هیچ وجه نیست از حکومت شهر باید برسد که چرا نظم نیامد

آقای سید حسن قلی زاده - دیر و زود در مجلس بعضی صحبتها شده بود یکی از آنها در خصوص نظام جدید بود که آنرا تصویب دارند و باید که مشغول ترتیب آن بشوند یکی از آنها که در اصل مسئله همه بطور اشتراک اتفاق دارند مسئله قشون داوطلب است که اساساً منطبق علیه است ولی در جزئیات و صور آن اختلاف است و اینهم مسلم است هر مطلبی که بمجلس می آید هر گاه اساس آنرا تسلیم داشته باشد قانوناً رجوع به کمیسیون کرده بعد از

ملاحظه اطراف و تنقیح بمجلس می آورند و مجلس در این صورت میتواند که جواب از آن مطلب بقبولی بدهد که رجوع بکمیسیون شد اما در باب تأمین داخله اگر چه میدانم که این عرض من امروز بیجا است و کسی بامن اتفاق ندارد ولی بیک وقتی دولت مجبور میشود که بهمین ترتیب عمل نماید و آن اینست که ما باز وقتیکه بنای تغییر اشخاص شد و گفته شد که فلان جا جا کم میخوانند انگشت شمار میکنیم همان اشخاصیکه بودند همانها را دوباره سرکار می آورند با اینکه قسم خوردند بعد از چندی می بینیم که اسباب افتشاش فراهم می آورند تا ترتیب کار باین نحو اشخاص معسودند همین است باید یک قدری دائره اشخاص را توسعه داد و کسانی که قابلیت و داخل کار نبودند آنها را داخل نمود و کار داد تا رفع این اختلال و افتشاش بشود

احسن الدوله - بنده این انجمنها که این قدر فشار بمجلس می آورند بعضی تشبیه است و اولاً این مسئله را عرض میکنم که این قدر سرباز و قشون که داشتیم و داریم و بجهت حقوق خودشان متحصن میشوند و داد و فریاد میکنند چه کردند این اداره قزاقخانه که این همه پول میگیرد چه فایده از اینها بر ما رسیده و حال آنکه در زمان شاه شهبه چه امنیتی شهر و خارج آن داده بودند همین طور در سفر فرنگستان مظفرالدین شاه مرحوم که عین الدوله بودند پس حالا چرا امنیت نمیدهند و چه شد اینها که پول میگیرند خدمت نمیکند چه پرسد قشون داوطلب که پول نمی گیرند هیچ وقت آنها نخواهند چیزی کلاه رفتن اینها که میگویند محض تشبیه است

بحر العلوم - انجمن ما سه مطلب پیشنهاد مجلس کردند یکی از آنها راجع بجناب رئیس است و یکی دیگر از بابت نظام جدید که امروزه بر حسب شرع بر ما لازم است شارع مقدس تمام با زبها را حرام کرده است مگر سبق و رومیا را که چون مقدمه جهاد و مشق آنست پس اگر بگوئیم که امروز نظام جدید واجب است خلاف گفته شده بنابر این اگر اجازه داده شود که جوانان این مملکت در تحت قانون مجلس آمده تصویب شده فوراً بجهت همایونی رسانند و بدست حکام داده شود که تکلیف خود را بدانند و جلوگیری از این افشاشات بشود تا امنیت حاصل شود والا اگر بخواهید قوانین مجازاتی یکدفعه تمام شده و تصویب شود مدت طولانی لازم دارد و این طول مدت بدتر موجب هر چه مرج مملکت خواهد شد

رئیس - سؤالی می کنم از آقایان آیا این لایحه که از انجمن ها از بابت نظام جدید نوشته اند راجع بکمیسیون نظام بشود یا نه ؟

آقای میرزا محمود خوانساری - از چند روز قبل که این کمیسیونها در مقابل وزارت خاتمه و غیره تشکیل شد بنده خیلی خوشوقت شدم که همینانین کمیسیونها برای این شهر مطلبی راجع بکمیسیون خود شده در اینجا مطرح مذاکره کردیم خلاصه آن بمجلس ارائه شود که دیگر وقت مجلس صرف این گونه مذاکرات زیاد نشود امروز این لایحه که از انجمنها نوشته اند در باب قشون داوطلب و نظام جدید و حال طرح مذاکره شده است که چه جواب بانجمنها در این خصوص داده شود در همان اول مذاکره یکی از اعضاء کمیسیون نظام اظهار داشت که تا روز سه شنبه این مسئله در کمیسیون مطرح شده و جواب میدهم عقیده بنده این بود که همان اظهار یکی از اعضاء کمیسیون نظام در جواب انجمنها

صادر شده دیگر زیاده از این وقت مجلس صرف این همه مذاکرات نشده باشد و مشغول قرائت قانون شود

حاج امام جمعه - باز اظهار خود را تکرار مینمایم که اگر ماه پیش روز در امنیت داخله بکوشیم و بعدو جهد نائیم باز کم است و این مسئله هم کار کمیسیون نیست بلکه بعهده مجلس و وزراء است که در امنیت داخله حتی الامکان سعی و کوشش کرده و با هم مشاوره و مذاکره نمایند و تا قوانین مجازاتی هم که کثیر الاطلاق هستیم عاجلاً نوشته و مرتب نشده بدست حکام داده نشود هیچ فایده ندارد

آقای سید حسن قلی زاده - اظهار آقای میرزا محمود هم مؤید فرمایش شماست که گفتند چرا قوانین در مجلس قرائت و تنفیج نمیشود اما باید فرق گذاشت مابین مطالبیکه راجع بکمیسیون میشود و مطالبیکه راجع نمیشود این اظهار انجمنها از بابت قشون داوطلب و نظام جدید از مطالبی است که راجع بکمیسیون نمیشود چون فعلاً در مجلس مطرح شده مجلس بعد از تصدیق مختار است که رجوع بکمیسیون نماید و یا خودش اورا بدو اجائی برساند و از فراریکه اکثر هم اساساً این مسئله را گذر تحت یک قانون منظمی باشد تصدیق کردند پس خوب است این را قانونی کرده راجع بکمیسیون نظام شود کدر تحت مذاکره و مذاقه آورده بعد از تنفیج بمجلس ارائه بدهد تماماً کرمو تصویب بشود و بهمین طور هم میشود بانجمن ها جواب داد که مجلس تصدیق دارد ولی راجع بکمیسیون نظام شود بعد از مدتی مرتب خواهد شد که آنها هم امیدوار باشند

آقای حاج امام جمعه - گویا با زنی الجمله اشتباهی در اظهار من شده باید قوانین کلیه بدو در کمیسیون تنفیج شود صحیح است ولی قوانین ما خیلی است و مطابق نمودن آنها هم با قانون شرع سخت است و طول مدت لازم دارد و چندین سال طول خواهد کشید و علاج فوری اختلالات امروزه را نخواهد کرد عقیده من اینست که حاله عجاله قوانین کثیر الاطلاق عاجلاً در یک کمیسیون نوشته شده پس از تنفیج در مجلس آمده تصویب شده فوراً بجهت همایونی رسانند و بدست حکام داده شود که تکلیف خود را بدانند و جلوگیری از این افشاشات بشود تا امنیت حاصل شود والا اگر بخواهید قوانین مجازاتی یکدفعه تمام شده و تصویب شود مدت طولانی لازم دارد و این طول مدت بدتر موجب هر چه مرج مملکت خواهد شد

رئیس - سؤالی می کنم از آقایان آیا این لایحه که از انجمن ها از بابت نظام جدید نوشته اند راجع بکمیسیون نظام بشود یا نه ؟

آقای میرزا محمود خوانساری - از چند روز قبل که این کمیسیونها در مقابل وزارت خاتمه و غیره تشکیل شد بنده خیلی خوشوقت شدم که همینانین کمیسیونها برای این شهر مطلبی راجع بکمیسیون خود شده در اینجا مطرح مذاکره کردیم خلاصه آن بمجلس ارائه شود که دیگر وقت مجلس صرف این گونه مذاکرات زیاد نشود امروز این لایحه که از انجمنها نوشته اند در باب قشون داوطلب و نظام جدید و حال طرح مذاکره شده است که چه جواب بانجمنها در این خصوص داده شود در همان اول مذاکره یکی از اعضاء کمیسیون نظام اظهار داشت که تا روز سه شنبه این مسئله در کمیسیون مطرح شده و جواب میدهم عقیده بنده این بود که همان اظهار یکی از اعضاء کمیسیون نظام در جواب انجمنها

که هست مرتب و منظم نبود

آقای سید حسن قلی زاده - گویا در قشون داوطلب اشتباه شده قشون داوطلب این است که فقط روزی چند ساعتی به ترتیبی حکمین میشود از دولت سلاح گرفته مشق میکند و پس از مشق سلاح خود را رد می نمایند یک وقتی کمالات محتاج بشقشون شد اینها حاضر هستند

اسدالله میرزا - عقیده بنده ممکن است هر دو مسئله راجع نائیم اما در باب قشون سابقه حاضره که داریم البته باید آنها را هر چه زودتر منظم و مرتب نمود اما در خصوص قشون داوطلب اگر مقصود بطوریکه گفته شد فقط اجازه داده شود روزی چند ساعتی مشغول مشق نظام شوند گمان این است که مراد انجمنها هم همین باشد در اینصورت مختاری ندارد و نباید از بودجه مملکتی چیزی برای آنها خرج کرد و این ترتیب را هم عرض کردم که در کمیسیون جنگی مطرح شده است که بجهت حفظ مملکت و وطن باید تمام جوانان مملکت از یک سن مینوی بجهت مشق نظامی حاضر شوند حال باید یک قانونی برای این ترتیب داده اما گرامر آنست که باید وقتی برای اینکار مصرف کرد در اینصورت البته باید اول قشون حاضری که هست مرتب و منظم و آماده نائیم

حاج محمد اسمعیل آقا - یک جواب مختصری عرض می نمایم آقایان و کلامم توجه نمایند همینقدر که اینجا اجازه داد که یک عده مشغول مشق نظام باشند در سایر ولایات انتشار یافته موجب انقلاب و افتشاش خواهد شد

آقای میرزا محمود خوانساری - بنده عقیده بنده چیزیکه مفاسد آن معلوم نیست نمیشود آنرا رد کرد و گویا انجمنها دولت این حق را داشته باشند که این مطلب را از مجلس بخوانند و حالا یک حرارت و جوشش طبیعی ایشان را و ادار بانکار کرده نباید بی دلیل آنها را از اقدام و درخواست این مطلب مأیوس کرد و اگر مسامحه شود دیگر مشکل است استفاده صحیح حاصل کنیم و شاهد بر این مطلب که حس است مسئله بانگ است چنانچه رسالت در خصوص بانگ آن حرارت و جوششی که ملت داشت در همان بدو امر اگر اقدام صحیحی نشده بود سرمایه خوبی جمع میشد ولی بعد مردم از آن حرارت و شوقی که داشتند دست شدند این خصوص هم اگر مسامحه شود و ما بیک وقتی محتاج بشقشون داوطلب شویم آنوقت نه ملت را این حرارت و هیجان خواهد بود و نه ما نتیجه صحیحی می توانیم حاصل نائیم پس خوب است در اینصورت آنها را مأیوس نکندیم

آقای میرزا فضلعلی آقا - بنده عقیده بنده آنها یک مطلب قانونی خواستند که از روی آن اقدام شود در این صورت نباید مسامحه بشود خوب است رای گرفته شود

لایحه رئیس - این لایحه را امضا نمیشود مجلس ملاحظه نموده رجوع بمجلس کرده اند پس باید مطرح مذاکره شود

آقای میرزا فضلعلی آقا - مقصود بنده این نبود که مطرح در مجلس نشود مقصود این است که چون مطلب قانونی است و باید اخذ نتیجه شود رای گرفته شود که رجوع بکمیسیون جنگی بشود یا نه

لایحه رئیس - بی همین رای گرفتن این خصوص هم مطلب صدق است

حاج سید عبدالعزیز شهبانی - برای حفظ دین و مملکت بر همه اهل مملکت واجب است که فنون جنگ را بطور جدید یاد گرفته و مشق نمایند اما هلی سبیل الکفایه یعنی بان عده که میتوان بآن عده که حفظ مملکت را نمود کافی است ولی باین ترتیب که عده قبلی داخل در کار شوند و سایرین نشوند نمی شود و علاوه این مسئله را از یک سال تا حال از چندین جا خواسته اند اقدام نمایند مثل خراسان که مکرر هم کاغذ نوشته و تفویض و گویی شده حالا اگر یک عده قبلی در اینجا داخل در کار شوند موجب اختلال خواهد شد پس باید قشون داوطلب باندازه کفایت حفظ مملکت در تحت یک قانون صحیحی مرتب شود و باین ترتیبی که گفته میشود قائم ندارد

آقای سلطنته - حال باید امنیت داخله را داد و مقدم بر همه اینهاست پس این قشون حاضری که فعلاً داریم منظم و مرتب نائیم که امنیت داخله حاصل شود آنوقت ترتیب قشون داوطلب بدهیم

دکتر ولی الله خان - این مسئله که این همه مذاکره شده اولاً باید رای گرفته شود که راجع بکمیسیون بشود یا نه پس از رجوع هم باید قانونی بجهت ترتیبات آن مرتب و تنفیج شود پس حالبه جواب انجمن مهمام همین است ولی از این انجمنها در این مسائل یک مطلبی را باید استفاده کرده و فهاید که مقصود از این تکرار چیست بنده چنین استنباط میکنم که میخوانند بگویند مایه دار و هوشار هستیم و زمام امور ما که بدست چند نفری است کدر حقیقت آمر و تاهی ما میباشند شاید بعضی از آنها طرف سوره ظن ما هستند و ما کاملاً اطمینان بآنها نداریم و نیز میخوانند بفرمانند که ما مطلب بزرگی را که مشروعیت باشد گرفته ایم در حفظ اساس و استقرار آن هم هم بطور حاضر بوده و بهیاد ارم و حال عقیده بنده این است که اگر فعلاً بخواهید جواب بدهید اول رأی گرفته شود که راجع بکمیسیون نظامی بشود یا نه آنوقت جواب داده شود

لایحه رئیس - این فرمایشاتی که فرمودید خیلی صحیح است اما از بابت رای گرفتن این مسئله خیلی مسئله مهم و بزرگی است و امروز یک اندازه خاطر آقایان و کلا مسیوق و مستحضر شد ولی باید کاملاً با طرف این مسئله دقت شود پس خوب است اخذ رای باشد برای مجلس دیگر که دقت کامل شده و از زوری بصیرت نامه اخذ رای شود

اسدالله میرزا - در این انجمنها اشخاص قانون دان خیلی هستند بنده عقیده بنده خوب است یک لایحه مثل لایحه قانونی که در حقیقت پروگرام این کار باشد بنویسند به بینیم به چه قسم قشون داوطلب میخوانند گرفته شود منحصر باین جا است یا تمام ولایات و همچنین ترتیبات دیگر آنرا معلوم کنند

لایحه رئیس - بلی خوب است قبل از اخذ رای یک همچو پروگرام بنویسند که به چه ترتیبی می خواهند معلوم شود

آقای قلی زاده - در اینکه امروزه با وجود قشون سابقه نمی توان یک وجهی به صرف قشون جدید رساند حرف نیست و البته صحیح خواهد بود و انجمن هالم باین طور خواسته اند بلکه فقط اجازه مشق کردن در خواست نموده اند باین حال اگر آنها عالم باشند ضروری مرتب نخواهد شد و همچنین عالم نباشند هم و گویا باین ترتیب هم هیچکس را در این خصوص حرفی نباشد ولی فقط یک ایراد گرفته

شده که در سایر ولایات داخله موجب اختلال می شود
 دفع این ایراد اینست که تمام اهالی این مملکت
 محکوم بحکم مجلس بوده و منقاد مستندیس مجلس
 بهر طور که مقتضی بداند حکم میکنند فقط اجازه
 باهالی اینجا می دهد و یک مسئله دیگر است که در
 مجلس سابق هم گفته شد ملک فعلا یک اقبالی دارد
 آیا بیبنیم مای توایم یک استفاده صحیحی حاصل
 نمایم یا نه ملاحظه نمایند در اکثر جاهای این مملکت
 اجازه داده شود مردم بشوق خود موضع اینکه از
 علماء اعلام شنیده اند علم جهاد لازم است مشق
 می کنند و لی چون در تحت تربیتی نبود این
 است که هیچ نتیجه حاصل نشده است پس اگر یک تربیت
 صحیحی اقدام باینکار شود ممکن است استفاده کاملی
 بعمل آید.

وکیل التجار - یک سؤال دارم آیا شخص
 بالغ شده من باب تادیب از پدر خود اذن می خواهد
 که وضو گرفته برای نماز حاضر باشد چه جواب
 خواهد داد ؟

آقای میرزا ابوالحسن خان - بقیه بنده
 بجهت حفظ این مملکت تمام جوانان این مملکت باید
 مشق نظامی بکنند حرفی نیست اما باید در تحت
 یک قائم و قانون صحیحی باشد که روزی چند
 ساعتی مشق کرده بعد اسلحه خود را در نمایند
 و باین ترتیب خیلی خوب است اما اول مجلس
 عرض کردم که برای این مسئله یک لایحه قانونی
 باید نوشته شود و باز در نفر هم رای دهند آنوقت
 مطرح مذاکره شود.

محقق الدوله - در خصوص امنیت شهر
 صحبت شد زاپس تا عرض میکنم که رقمه از وزارت
 داخله رسیده بود که مشغول زیاد کردن ژاندارم
 و پلیس بیک ترتیب معینی هستیم که عاجلا امنیت
 شهر داده شود و مجلس هم کسر آرا گفته است
 ماده یک که قوانین جدیدی تصویب نشده حکام و قوه مجریه
 بهمان ترتیب سابق رفتار نمایند.

نایب رئیس - این یک رقمه دیگر هم امروز
 در ترتیب و تکلیف پلیس و ژاندارم از وزارت داخله
 رسیده است آنرا هم زودتر کمیسیون وزارت داخله
 ملاحظه نماید که زودتر جواب داده شود.

آقای میرزا ابوالحسن خان - با اظهارشود
 را تجدید میکنم که آیا وزارت داخله احضار خواهد
 شد که سؤال شود چرا حاکم فارس را نفرستند
 و نیز سؤال شود این نزاع فراق و سر باز راجه
 چه بوده و دیگر در باب کثرت بلزیکها بود
 که قرار شد صورت آنها را بمجلس بدهند چه شد
 (گفته شد که در روز جمعه در مجلس فوق العاده
 این گفتگوها باوزاره شده)

وکیل الرعایا - قانون وزارت داخله که مدتی
 است تمام و تصویب شده چرابعضه همایونی فرستاده
 نمیشود در آنجا چندین ماده در ترتیب و تکلیف
 پلیس و ژاندارم نوشته شده همان را زودتر بصحه
 همایونی برسانند دیگر لازم باین ترتیبی که از
 وزارت داخله نوشته شده نیست که تصویب شود .

نایب رئیس - هنوز آن نظامنامه وزارت داخله
 تمام نشده در نزد کاتب و مشغول استنساخ است
 و مطلب دیگر است میخواهم عرض کنم چون کمیسیونها
 معین شده و هر کدام باید در وقت معینی مشغول

جلوگیری ندارد امر شود فوراً از قورخانه کرمان
 تفنگ و فشنگ فرستاده شود که دفع اغراد نمایم
 آخر در فکر حفظ امنیت اینجا هم باشیده
 (اهالی سیرجان)

رئیس التجار - بدون حضور وزیر داخله
 خواندن این تلگرافات فایده دومی ندارد .

آقای سید مهدی - از این لایحه آقایان
 وکلای فارس اشتباهی برای من شده اگر بنا شد و کلا
 یک ولایتی شکایت از بی نظمی ولایت خود نمایند
 اصلاح آن قدری تاخیر بیفته نباید آن و کلا از
 مجلس اعراف نماینده اگر این طور است ما هم
 بدانیم هیچ تفاوت نمی کند فارس استر آباد کرمان
 یا جای دیگر همه از خاک این مملکت است و باید
 در حفظ امنیت آنها کوشید و از طرف مجلس هم
 که کوتاهی نشده دیگر اعتراض چرا .

نایب رئیس - اعتراض نکرده اند مقصودشان
 تاکید در اصلاح امور شیراز است .

بحر العلوم کرمانی - این تلگراف سیرجان
 است که ایلات فارس آنجا را قتل و غارت نموده و
 اموال و مواشی زیاد برده اند از این طرف هم اخبار
 صحیح رسیده است که تفنگ دولتی را از قورخانه
 کرمان بیرون آورده فروخته و می فروشند در صورتی
 که در سیرجان استفاده نبوده و محتاج استمداد هستند
 و چند وقت است حاکم کرمان معین شده نمیرود
 آخر این چه ترتیبی است و تکلیف چیست ؟

آقای شیخ حسین - این کمیسیونها که معین
 شده برای این بود که اینگونه امورات راجع بکمیسیون
 ها شده و در آنجا مذاکره و تفحص شده خلاصه و
 نتیجه آن بمجلس بیاید و مجلس هم بوظیفه خود که
 وضع قانون است مشغول باشد و اگر هم حضور
 وزیر داخله لازم باشد باید اظهار شده در کمیسیون
 مشغول سؤال و جواب شده نتیجه بدست بیاید مجلس
 باید مشغول خواندن قوانین باشد (اگر تصدیق
 کردند)

وکیل التجار - مدتی است که قوای مجریه
 ما بیمل خود اقدام در اصلاح امری نمیکند مگر
 اینکه از طرف مجلس بیکجهانی شده و صفت گیری
 شود و مادامیکه این ترتیب است که به هیجان و
 سخت گیری اقدامی از ایشان نخواهد هیچ فایده ندارد
 قوای مجریه باید خودشان مجدانه در اصلاح امور
 اقدام نمایند والا از گفتن ما در اینجا که فلانجا
 حاکم ندارد یا فلان جایی نظم است نتیجه بدست
 نخواهد آمد و عقیده خود را عرض میکنم که این
 مسئله هم تصحیح مجلس است اگر اصلاح کار را
 بخواهد و جد نماید هیچ کس نمی تواند ترد کند
 با این قوه خدادادی که امروزه مجلس دارد باید اصلاح
 امور را جد بخواهد و اگر کسی مخالفت نمود مجازات
 داده شود تا امورات ترتیبی پیدا کند .

حاج سید عبدالرحمن شهشانی - وزیر
 داخله احضار شده اند که در باب حکومت طهران و
 فارس و کرمان و غیره گفتگو شده بعضی توضیحات
 بدهند ولی نکته ایست می خواهم عرض کنم برای
 هر جا حاکمیکه معین می شود گویا همان سعادت
 سابقا در نظر دارند که یک افتتاحی بواسطه نفاق
 بین دو طایفه یاد و نفر از زوای آنجا بر پا نموده
 آنچه مقصود منظور آنها است بدست بیاید پس تا
 قانون حکام معین نشده بدست آنها داده نشود و آنها
 هم تمهید کرده و قول ندهند که بآن دستور العمل

و قاتر نمایند هیچ فایده نخواهد داشت
نایب رئیس - صریح است نظامنامه وزارت
 داخله هم نوشته شده حاضر است باید زودتر بصحه
 رسیده و داده شود و وزیر داخله هم بجهت این
 گفتگو احضار شده اند پس خوب است عیال تا آمدن
 وزیر داخله شروع بقرائت قانون انطباعات شود

آقای سید حسین - بلی تمام این گفتگوها راجع
 بوزارت داخله است و تا ایشان حضور نداشته باشد
 این مذاکرات بی نتیجه است پس حالا شروع بقرائت
 نظامنامه انطباعات شود .

سیدالحکما - اطلاعاً عرض میکنم که دو
 روز بود بنده مشغول مطابقت کردن نظامنامه وزارت
 داخله با اصل نسخه بودم و امروز تمام شد .

نایب رئیس - بسیار خوب انشاء الله بزودی
 بصحه می رسد و حالا قانون انطباعات خوانده شود .

آقای سید حسن قهی زاده - مملکتی که
 مردم در آن سکنی دارند حافظ می خواهند امنیت
 می خواهند همه چیز می خواهند برای اینکه حقوق خود
 را حفظ کنند و کلائی برای خود انتخاب میکنند
 که نظارت در امورات دولتی داشته باشند وقتی که
 اداره دولتی مثل یک چرخ بزرگی که آلات و ادوات
 زیاد داشته باشد بکار افتاده و کار میکنند و کلا اگر
 دیدند در یکجائی اغتشاش پیدا شد چون وزیر پول
 و قشون و سایر ادوات کار را آماده و مهیا دارند
 بآنها اظهار کرده می خواهند آنجا را امنیت بدهند
 همین طور آن ظهور فساد از احکام جزایا کم می خواهند
 که رفع کنند تا برسد بوزرا ما حالا یک سال است که
 در این مملکت و کلا داریم و اینها هم همه چیز را
 ازوزرا می خواهند این در صورتی است که وزرا اسباب
 کارشان جمع باشد و مانعی در پیش نباشد اما در جایی
 که هیچ لوازمات وجود نیست و مایه جیبی اتصال
 بوزرا که در فلانجا امنیت نیست با فلان محل قشون
 لازم دارد در صورتی که می دانیم تمام اینکارها موانع
 زیاد دارد و روی هر یک سنگ بزرگی است که
 نمی گذارد در این صورت بوزرا تقصیری نیست چنانچه
 می بینیم هر روز یک مانعی پیش می آید و کسانی که
 مفسد و مفسد هستند شیوهها و شیوهها انگیزه سنگو

پیش روی آنها می گذارند باین حال آنها چطور می توانند
 که اجرا کنند و زور هم مثل دیگران فرنی نمی کند
 اگر پولی لازم شد بخواهند دست به یک پولی بزنند
 هزاران اسم گذاشته نمی توانند و اگر بخواهند یک
 نتررا مأموریت بدهند میگوید که من نو کرد دیگری
 هستم اطاعت ندارد باین موانع وزرا چه کاری از
 ایشان ساخته است پس اگر مجلس می خواهد نظم
 کلی بدهد بطوریکه هر روز از جایی صحبت نکنند باید
 اختیارات نامه بوزرا بدهد و اسباب آنها را جمع آوری
 کند بطوریکه بعد از رفع موانع هر گاه این چرخ
 مرکزی بکار افتاد در همه جا اسباب آن چرخ بکار
 بیافتد کرا را گفتن که این مجلس فراموشی دارد مطلبی
 که گفته شد بعد از چندی فراموش می شود حال
 این فراموشی در ملت هم پیدا شده که آن هیجان و شور
 ملی را فراموش کردند باینکه همه ماها میدانیم و
 موانع کار معلوم است متصل میگوئیم که باید
 هیئت اجراییه اقدام کنند آخر هیئت اجراییه بآن
 موانع مثل دیگران است چه میکنند میخواهیم تم این
 مطلب را که رفع موانع و بکار انداختن قوه مجریه
 باشد لایحه کنم و بسج و کلا برسانم که اگر وقت
 وقت دارند و قابل مذاکره است مذاکره شود که
 رفع این موانع را بنمایند تا قوه مجریه بتواند اجرا

کند باز هم میگویم که تا این موانع را بر ندارد
 این چرخهای اجری بکار نمی افتد و شما در اینجا
 فریاد بزنید که کرمان و فارس چنان است در صورتیکه
 قوه مجریه در مرکز نتواند کار بکند چه طور در جاهای
 دور دست میتوانست کار بکند .

وکیل التجار - بنده گمان میکنم این نکته
 را که آقای قهی زاده فرمودند بسیار صحیح است ولی
 بقیه بنده باز یک اندازه تقصیر از جهت مجریه است
 زیرا که وظیفه آنها است که هر مانعی که جلو آنها
 باشد در اول وهله بمجلس اظهار کنند و این عقیده
 شخص بنده است که این مجلس مقدس امروزه در این
 مملکت بفضل و عون خداوندی یک قوه فوق العاده
 دارد که هر گاه به بیست خدای نخواسته یکمانی
 در راه مقصود سعادت این ملت پیش آمده یک اشاره
 و اظهار آنرا هر چه قوی باشد از پیش بر میدارد
 چه طور که گفتند و کرا را درخواست نمودند ولی ما
 میگوئیم که حالا باشد خودش بهتر خواهد شد و
 این مطلب کرا را تجربه شده است که مبالغی از این
 مسامحه ضرر بدست خورده و مقاصدشان هم عقب
 افتاده است .

آقای میرزا ابوالحسن خان - بنده یک کلمه عرض
 دارم و تمام فرمایشات آقای قهی زاده را هم تصدیق
 دارم و البته این مسئله آقایان و کلام میداند که
 هر وقت مانعی برای مجلس و ملت پیش آمد باید
 فوراً آن مانع را از جلو برداشت ولی این سؤال
 من از وزیر داخله خیلی سهل و ساده بود و فقط
 برای این بود حاکمی که معین شده است برای
 فارس و اول قبول کرده است بعد از آن نکول
 و باز دوباره قبول کرده است و پس از آن نکول
 سبب چیست و چرا نمیرود این مطلب را
 نمی شود راجع بجای دیگر کرد اینهم میگویم که
 تقصیر وزیر است بلکه میگویم مقصود از طرف
 ایشانست و این حرف را هم میگویم که دو قوه
 ضعیف با هم در زدو خورد هستند و قوه قوی در این
 میانه فایده خواهد برد .

آقای سید حسن قهی زاده - باز یک کلمه
 دیگر عرض میکنم چون گویا از اینکه گفتن لایحه
 خواستم بنویسم اشتباه شده است که راجع بحکومت
 فارس یا غیر آن است نه خبر این سؤال آقای میرزا
 ابوالحسن خان در جای خود صحیح است ما یکسال
 بود که در زد و خورد بودیم برای مشروطه و استبداد
 و چون میخواستیم که مشروطه بشویم و مطالبه حقوق
 خود را میکردیم لازمهاش این زد و خوردها
 بود ولی بعد از آنی که حق خود را گرفتیم مشروطه
 شدیم آیا بیبنیم تقصیر از کبست صحیح است دو قوه
 ضعیف با هم طرفند ولی یکی از آن دو قوه که ملت
 باشد در مقابل جمیع قوای دنیا اظهار قابلیت خود
 را میکند و میگوید که من تحمل و قبول ظلم و استبداد
 نمیکند حال اگر یک قوه یا قوای آن قوه ضعیف را
 تهدید کنند سبب می شود که این قوه ضعیف ملت دست از
 مطالبه اقلان خود بردارد و آن قوه دست از حرکات جاهلانه
 خود بر ندارد .

آقای سید حسین - آقای قهی زاده فرمودند
 که خواستم بواسطه لایحه اطلاع حاصل نمایم آن
 چیزی را که مایه نجات سعادت این ملت است در این
 چند روز اگر مجلس بخواهد مطرح مذاکره کند
 بنده عرض میکنم چه مانعی در پیش است که چند روز

شده و می آید و در ماه قبل فراموشی او را مامور اصلاح امر خوی و ما کو نمود و می دانستید که چه هنگامه بود و دو دهنه هیئت مصلحت فرستادند و نتوانستند کاری بکنند و جناب آقای میرزا آقا بوجوب نوشتجاتیکه بن رسید با کمال بی مرضی این کار مهم را اصلاح و طرفین را راضی نمود .

و این مسئله ثلثی بود که از طرف مجلس رجوع بایشان شد آنرا هم با کمال خوبی اصلاح کردند در حقیقت خدمت بزرگی نموده است اینست که از حسن کفایت و خدمات ایشان اظهار تشکر نموده و خیلی خوشوقت هستم (جسی از کلا اظهار تشکر و امتنان نمودند)

احتشام الاطباء - اول جواب این وزره مقتولین که آمده اند داده شود تا حواس و کلا جمع شود .

رئیس - جواب آنها معلوم است جناب آقای آقا سید عبدالله تشریف داشتند و قرار شد که قائلین بقصاص پسند حال اختیار باشند و ره آنهاست .
آقای میرزا فضلعلی آقا - گزارا مذاکره شده که اوقات مجلس مصروف خواندن قوانین شود چند قانون هم در میان است خوب است شروع به قانون شود .

رئیس - این کمیسیونها برای همیشه که قدری از کار مجلس کم شود حال هم چون کمابسی در کار خود استوار شده اند همین چند روز دیگر شروع بقوانین می شود حالها هم می فرماید همان قانون خوانده شود .

آقای میرزا فضلعلی آقا - البته بهتر است مخبر الملک - همان قانون انطباعات که شروع شده بود قرائت شود .

رئیس - یکی از کمیسیونها که برای تنقیح قوانین است مشغول همین است که بعضی از مواد و تفصیل آنرا تنقیح کند و مجلس بیاید .

آقای شیخ حسن - بریز روز اینجا با حضور وزرا قرار شد که قائلین مجازات شوند چون تاخیر افتاد این است که این حضرات آمدند و ملتجی شده اند .

رئیس - اشتباه نشود دیر نشده است در سایر ممالک هم بمشاهد دوماه طولی کشید است انتظار شود و البته بمجازات خواهند رسید و هیچ کس در این مسئله مخالفت ندارد و آقای سید عبدالله هم فرمودند که باید مجازات شود در این صورت مسامحه نخواهد شد و این اشخاص هم بی جهت باینجا آمدند .

مقبل لشکر - این هامیگویند قریب درست نفر از سرباز های آن فوج رفته اند در دیوانخانه که ما دیده می دهیم که آنها بقصاص نرسند این هامیگویند ما راضی نیستیم بدیه و باید بقصاص بشوند حال باید آنها تکیه مرتکب شده اند بقصاص برسند و آن چند نفر دیگر بقانون نظامی از نظام خارج شوند .

رئیس - در این باب هر چه گفته شود بیخود است و این مطلب رجوع شده است به دیوان خانه رسیدگی خواهد شد اختیار بقصاص یادیه هم با وارت است . آقا سید عبدالله هم نهایت جهد را فرموده اند دیگر نمیدانم کی این الفا شبهه را کرده است .

اسدالله میرزا - بریز روز در خصوص جواب دستخط اعلیحضرت همایونی مدتی گفتگو شد حالا

اگر جوابی نوشته شده که قرائت شود و اگر هم مجلس خاص لازم است معین فرمائید .
رئیس - دوقدر است که باید جواب عرض شود یکی دخالت قوه مقننه است در اجرائیه بر حسب اتفاق تمام و کلا تاکنون چنین کاری نشده است اگر چند نفره تلکرات یک وقتی در از ولایات شده ملاحظه خواهش خود آنها بوده است و هیچ وقت مجلس مداخله در کار آنها نکرده است اما در باب انجمن ها آنها هم بر حسب قانون اساسی اجتماعات آزاد است و اگر یک نفر از اهل انجمن خلاف رفتار کرده البته باید مجازات شود دیگر غیر از این چیزی نیست منتهی بعضی خواهش کردند و مطلبی پیشنهاد مجلس نمودند آنها هم به قرارداد حق اینگونه اظهارات را دارند از قبیل نظام جدید و غیره .

لسان الحکما - از آن روزیکه مجلس مشغول مذاکره شد کمیسیون هم مشغول مذاکره شد در خصوص نظام جدید ولی چون باید از طرف مجلس چیزی نوشته شود که رسماً مطرح مذاکره بشود تا حال آنچه منتظر بودیم اظهاری نشده تا کمیسیون رای خود را اظهار نماید .
وکیل الرعایا - عرض بنده راجع بدستخط اعلیحضرت است صحیح است آنچه را که فرموده اند ولی خوب است عرض شود هیئت وزرا تغییر می کنند ولی رئیس اجری که شخص اعلیحضرت است هرگز تغییر نمیکنند خوب است این ثابت لایتنفر در اجرای قوانین تسامح نفرمایند .

آقای میرزا ابوالحسن خان - آرزو عرض کردم حالها هم عرض می کنم شخص اعلیحضرت مقدس است و باید مسئول نیست مسئول هیئت وزراء است و اجرای امور را فقط از آنها می خواهیم .

آقای حاج امام جمعه - در دستخط مطاب سومی هم داشت و حضوراً هم گفتگو شد که حدود طرفین معلوم باشد و هیچ طرف تجاوز نکند عرض شد که حدود طرفین همان قانون اساسی است که بوجه همایونی رسیده است و طرفین نمی توانند تجاوز کنند اما تقاضای بنده این است که همین تقریر که حضوراً گفتگو شد در جواب کتبی هم نوشته شود .

رئیس - حال اجازه می دهند بهمان طور مختصر آئین نوشته شود و اینکه این تلکرات و نوشتجات که از مجلس شده است بر حسب خواهش وزارتتونها بوده است .

آقای میرزا ابوالحسن خان - مجلس هیچوقت از وظایف خود خارج نشده است و همیشه بر حسب خواهش آنها بوده است . و علاوه مجلس حق نظارت در اجراء دارد و اجرای آنرا باید از وزراء بخواهد پس در این صورت هیچ وقت مجلس از تکلیف خود تجاوز نکرده است .

مستشار الدوله - اینکه مجلس مداخله می کند یا نمیکند باید مشخص شود تا مجلس تکلیف خود را بداند یکی از تکالیف مجلس نظارت در اجراء است مثل اینکه بر حسب صلاح دید می گوید در آذربایجان دوقوع باید برود در این صورت اگر ما پس کرده فوج گفتیم شما اینجا بچه بکنید یا نکند این مداخله است اما اگر بوزیر جنگ بگویند یا داخله گفتیم شما چرا اینجا امنیت ندادید یا بر خلاف رفتار کردید این حق صامت و مداخله در اجراء نیست

آقای میرزا ابوالحسن خان - مجلس - حق وضع قانون و نظارت در اجرای قانون هر دور را دارد و رسیده گی برایش عموماً هم حق دارد تنها نفرمایند کار مجلس قانون است ما باید همه وقت وزراء را در مجلسی علنی خواسته و توضیحات بخواهیم .

آقای حاج امام جمعه - اینکه شکایات راجع بوزارتتونها رجوع شود هر گاه آنجا رسیدگی می شود نشد آنوقت فوق الاماده در مجلس رسیدگی می شود (ماده از قانون اساسی خوانده شد باین مضمون که اهالی حق دارند عرایض و تظلمات خود را بمجلس اظهار نمایند) .
رئیس - مجلس غیر از این ترتیب رفتار نکرده است اگر هم اقدامی شده است بر حسب خواهش خود آنها بوده است از طرف مجلس هم اعلان شد که عرایض و تظلمات راجع بوزارتتونها ها است .
آقای میرزا محمود - آن مطلبی که آقای تقی زاده فرمودند گویا محل توجه بود معصودشان این بود که عرض اینست و کلا متوجه باشند از حدود خودشان تجاوز نکنند مثلا نروند پیش اعضا ریسه تلکراف یا سفارشی بکنند تکیه عرایض بوزارتخانه ها رجوع شود .
وکیل التجار - باید از طرف مجلس اعلان شود که تمام عرایض راجع بوزارت خانه ها است مگر این که از خود وزارت خانه ها شکایت داشته باشند آنوقت رجوع بمجلس کنند این مطلبی را هم که آقای میرزا محمود گفتند باید کلا ملاحظه دارند .
آقای سید علی نقی - گمانم این است در هر مطلبی که مذاکره زیاد شود آن مطلب بیشتر روشن شده می ماند سابقاً از طرف مجلس اعلان شد که عرایض راجع بوزارتتونها باشد معصود از مردم عرض خود را بمجلس میکنند حالا هم جدا اعلام بشود تا مردم بدانند .
اسدالله میرزا - اگر موشکافی شود اعلیحضرت بعضی مطالب را که وظایف قوه مجریه دانسته اند همین است ولی نباید اعلیحضرت اهالی حالیه این مملکت را بیاس بسایر ممالک کنند بدیهی است بواسطه فشار ظلمی که در این مدت بر مردم وارد آمده بود حالا که شنیدند مجلس تشکیل شده و اسباب راحتی آنها را میخواهد فراهم نماید اقبال کرده تظلمات خود را بمجلس مینمایند و حال آنکه باید راجع بوزارت خانهها باشد مقصود این است که این ایراد بر تمام اهالی مملکت است و این بواسطه همین است که عرض شده مجلس هم از آنجا که مردم اعتماد بقوای مجریه نداشته اند تقویت و همراهی با آنها کرده است .

حاج معین التجار - این دستخط همایونی در تجزیه قوه مجریه و مقننه نهایت میل مجلس بود که مجلس بتواند بکارهای خود که وضع قوانین است برسد اما در باب جواب دستخط چون فردا مجلس علنی نیست خوب است امروز نوشته شود و خوانده شود .
رئیس - این جواب نوشته میشود و فردا که روز یکشنبه است صبح خوانده میشود و وزراء هم فردا برای کمیسیون خارج حاضر میشوند بعد از آن فرستاده شود بعرض همایونی و روز های یکشنبه هم حالا تا چندی خوب است مجلس علنی باشد .

وکیل الرعایا - بوجوب قانون اساسی مجلس هیچ وقت از حق خود تجاوز نکرده است و مردم هم مختارند که تظلمات خود را بمجلس بشنایند و مجلس جواب آنها را از ادارات بخواهد مجلس هیچ وقت از حد خود تجاوز نکرده است و قانونی که نوشته شده است باید مجری باشد .

رئیس - قانون اساسی همیشه لازم الاجرا است .
صدر نظری - در باب جواب دستخط اعلیحضرت آنچه لازم بود گفته شد ولی بنده عرض میکنم اعلیحضرت در سابق مکرر دستخط فرمودند که وزراء با و کلا اتفاق کرده کارها را اصلاح نمایند در اینصورت مجلس از حد خود تجاوز نکرده است .

آقای حاجی امام جمعه - اینکه شکایات راجع بمجلس بشود یا نشود با مردم است اما بنیمم غیر از اینکه اوقات مجلس ضایع می شود باید دیگر دارد منتهی آنها بواسطه امیدیکه دارند رجوع میکنند آنها در اول کار است همین که کارها مرتب شد البته تمام رجوع به حال خود خواهد شد .

وکیل التجار - یکی دویز وقت مضامین شد حال آنکه بریز روز داخل در این صحبت شدیم که هیئت وزرا آنچه که می گفتند بیشتر از قوه ایشان نیست خواست بداند که این مطلب باید مذاکره شود یا نه ؟
آقای سید حسن تقی زاده - با کمال یأس اظهار میکنم و این هم اظهار صدمی است مجلس قبل از این ترتیبی داشت و بعد از اینکه اعضای ریسه منتخب شدند ترتیب دیگر دارد یکی آنکه عنوانات باید قبل از وقت معین شود حالا بنی دانم که ترتیب هست یا خیر فردا ساعت شرب ما مانده و کلا حاضر می شوند یا نه دیگر اینکه یک قدری از روز را هم باید کار کرد حالا باید بدانیم که عنوان قبل از وقت معین می شود یا خیر ؟

رئیس - هیئت ریسه انتخاب شدند و مشغول ترتیب هستند اینکه می فرمایند قبل از وقت عنوان معین شود عنوان و کار مجلس قانون است غیر از قانون کاری نداریم و تا قوانین مامم نشود نمی توانیم داخل کاری بشویم ولی نمیتوانیم معین کنیم که فردا یکی گفته می شود یا یک جا گفتاش می شود یا خیر ؟

آقای میرزا ابوالحسن خان - مجلس - حق وضع قانون و نظارت در اجرای قانون هر دور را دارد و رسیده گی برایش عموماً هم حق دارد تنها نفرمایند کار مجلس قانون است ما باید همه وقت وزراء را در مجلسی علنی خواسته و توضیحات بخواهیم .

آقای میرزا ابوالحسن خان - مجلس - حق وضع قانون و نظارت در اجرای قانون هر دور را دارد و رسیده گی برایش عموماً هم حق دارد تنها نفرمایند کار مجلس قانون است ما باید همه وقت وزراء را در مجلسی علنی خواسته و توضیحات بخواهیم .

آقای میرزا ابوالحسن خان - مجلس - حق وضع قانون و نظارت در اجرای قانون هر دور را دارد و رسیده گی برایش عموماً هم حق دارد تنها نفرمایند کار مجلس قانون است ما باید همه وقت وزراء را در مجلسی علنی خواسته و توضیحات بخواهیم .

آقای میرزا سید حسن - در دستخط اعلیحضرت بود که انسان تاخانه خود را نتواند منظم کند جا های دیگر را نمیتواند نظم بدهد مکرر گفته شده که مجلس در ساعت شرب ما مانده منعقد شود و نشده است و همچنین اطلاع از مذاکرات روز بعد قبل از وقت داده شود خوب است اول این مطلب درست شود .

رئیس - حالا که این گفتگو شده مسئله است عرض می کنم مکرر از خارج در این باب با کمال با امضا و بی امضاء رسیده است و حالا هم آنچه گفته شده اثر نیشیده پس خوب است فردا مجلس زودتر منعقد شده بعد از قرائت لایحه که باید تقدیم حضور اعلیحضرت شود در باب وقت جدا مذاکره شود و یک مجازاتی برای آقایانیکه در سر وقت حاضر نشوند فردا بگذارید و منظم بدون تعلل و ملاحظه مجری می دارم .

آقای میرزا فضلعلی آقا - ایراد می بردی بر مجلس کردند که ظاهر آن ایراد وارد است و جمعی هم تصدیق کردند ولی بنده بر خلاف عموم میگویم وارد نیست اینکه گفته شد عنوانیکه در مجلس مطرح میشود قبل از وقت معین شده بنده عرض مینمایم عنوان معین مجلس وضع قانون است و همیشه هم که قانون در مجلس حاضر بود اما مطالبی که بنده وارد میشود بواسطه اهمیتی که دارد مطرح میشود و قرائت قانون تاخیر مینماید خارج از این ترتیب است پس مجلس از وظیفه خود تجاوز نکرده است و ایرادی که کردند وارد نیست (مجلس ختم شد)

مذاکرات روز یکشنبه ۲۴ شهر شوال المکرم دارالشورای ملی
خلاصه مذاکرات روز شنبه ۲۳ را آقای میرزا ظاهر قرائت کردند .
رئیس - این جوابی است برای دستخط اعلیحضرت همایونی عرض شده رایت شد باین مضمون « مجلس شورای ملی نهایت تشکر را دارد که اعلیحضرت شهر یازی خلد الله ملکه عطف توجه مخصوص در انتظام امور مملکت و ترفیه حال رعیت فرموده اند در باب تفکیک دو قوه و لزوم تجزیه این دو که مایه سعادت مملکت است هیچ حرف نیست در قانون اساسی نیز همین نحو مقرر است و هیچوقت مجلس تخطی از حد خود نکرده و البته دولت هم نباید در اجرائیات تسامح و تعلل در زمینه و از حدود قانون تجاوز نمایند تا موجب نزلزل قوه مقننه بشود در باب انجمنها البته خاطر مبارک اعلیحضرت مستحضراست که بوجوب نظامنامه اساسی اجتماعات آزاد است و برای تنظیم آن هم نظامنامه نوشته میشود که عملاً قریب از صده همایونی خواهد گذشت و آن وقت هر کدام موافق با قانون است قضا هر کدام مخالف با قانون شد مجازات و جلوگیری خواهد شد و با بطل توجه ملوکانه حاجلا همگی در سایه نظم و امنیت مشغول بعدا گوئی خواهند بود .

رئیس - اگر مجلس اجازه بدهد این لایحه در همراه چهار نفر تقدیم حضور همایونی شود (گفته شد خوب است)
آقای سید حسن تقی زاده - در قهره مردم بنده ملاحظه دارم در قهره اول آنچه مقصود بود بهتر از آن نوشته شده اما در قهره دوم در تمام مملکتها چه پارلمنت ملت و چه دولت قانون را خود بخود نمی نویسند بلکه بقضای زمان و بجهت ملت مینویسند

رئیس - البته بر طبق همانست .
آقای امام جمعه - انسان هم وقت میتواند مطلب حق خود را بیک صیارتی لباس باطل بپوشاند و همچنین باطل را لباس حق حال این مطالبیکه آقای تقی زاده گفتند همه حق است و اگر چه انجمن هام مخالف با قانون نیستند اما همین تدرک گفته شود انجمن ها نظامنامه لازم ندارد این حرف خود شنونده است و همه مینمایانند که اینها میخواهند انجمن ها بی نظم باشند چه ضرر دارد در لایحه نوشته شود که نظامنامه هم نوشته میشود که موافق با قانون اساسی باشند این مطالبی که گفته شد در وقت نوشته شدن نظامنامه وقت و ملاحظه شود که مخالف با قانون اساسی نباشد .

آقای میرزا ابوالحسن خان - مجلس - حق وضع قانون و نظارت در اجرای قانون هر دور را دارد و رسیده گی برایش عموماً هم حق دارد تنها نفرمایند کار مجلس قانون است ما باید همه وقت وزراء را در مجلسی علنی خواسته و توضیحات بخواهیم .

آقای میرزا ابوالحسن خان - مجلس - حق وضع قانون و نظارت در اجرای قانون هر دور را دارد و رسیده گی برایش عموماً هم حق دارد تنها نفرمایند کار مجلس قانون است ما باید همه وقت وزراء را در مجلسی علنی خواسته و توضیحات بخواهیم .

همچنین است این مجلس یکدفعه می بیند یک اتفاق اقتصادی میکند که یک قانونی اصلاحات میشود حالا اینجادر خصوص انجمنها اصول آن در قانون اساسی نوشته شده است و ما بالمره تاسی بمالک خارج نمیتوانیم بکنیم زیرا که آنجا ها مسیوق بمقتضات بوده اند و اینجا در اجتماعات یک اندازه که مقتضی بوده است .

گیری شده است همچنین شاید در سایر چیز هام بشود با قضای مملکت ولی من میتوانم ادعا کنم که اجتماعات در ممالک اسلام در زمان استبداد هم زیادتر از سایر ممالک مشروطه و حتی ممالک جمهوری بوده و آزاد تر هم بوده و همیشه جمع میشده اند و در امور دینی و دنیوی خود صحبت میکردند اند امروز هم کمی بنیمم مقدمه الجیش عنوان بسیارون و ناظرین ما همین است پس دیگر برای این نظامنامه لازم نیست و همانقدر که در قانون اساسی نوشته شده کافی است و آن سه شرط کفایت میکند که منظم نباشد و اساس آن مخالف سیاست دینی و دنیوی نباشد صلاح هم همراه نداشته باشند پس مجبور نیستیم که مثل سایر ممالک که چندین ساله مقدمات داشته و با اینکه تمام حقوق خود را هم گرفته اند و در اجتماعات اسباب اختلال فراهم آورده مجبور به بعضی نظامنامه ها شوند اینجا هنوز ملت از هزار یک حقوق خود را استفاده نکرده است بعد از آنکه تمام هستی و لباس او را کنند و فقط حالا التماس مینماید که پیراهن مرا بگذارند باشد پس دیگر این جانوشن نظامنامه لازم نیست و همان قانون اسلام قانون اساسی ما است و اجتماعات در قانون اسلام آزاد بوده و دست مگر اینکه مولد فتنه دینی و دنیوی باشد که آن اجتماعات نباید منعقد شود و یا منحل بنظم باشد که باید جلوگیری کرد و همچنین در صورتیکه با صلاح باشند این سه شرط را باید در اجتماعات کرد و بقیه از این تمام اجتماعات بحکم اسلام آزاد است .

مستشار الدوله - اینکه آقای تقی زاده فرمودند در همان مضمون جواب مستشار است اینکه نوشته شده بر حسب قانون اساسی آزادند برای اینکه مولد فتنه دینی و دنیوی نباشد و منحل نظام باشد آن نظامنامه که نوشته میشود بر طبق همان قانون اساسیست که مولد فتنه دینی و دنیوی و دخل نظم و دارای صلاح نباشند این يك جمله است که توضیح میکند آن ماده از قانون اساسی را بیکدیگر اینکه این نظامنامه معین میکند که انجمن ها باید موافق با قانون اساسی باشند یعنی خارج از آن قانون نمیشود باشد .

آقای سید حسن تقی زاده - اگر موافق آن باشد ضرری ندارد .
رئیس - البته بر طبق همانست .
آقای امام جمعه - انسان هم وقت میتواند مطلب حق خود را بیک صیارتی لباس باطل بپوشاند و همچنین باطل را لباس حق حال این مطالبیکه آقای تقی زاده گفتند همه حق است و اگر چه انجمن هام مخالف با قانون نیستند اما همین تدرک گفته شود انجمن ها نظامنامه لازم ندارد این حرف خود شنونده است و همه مینمایانند که اینها میخواهند انجمن ها بی نظم باشند چه ضرر دارد در لایحه نوشته شود که نظامنامه هم نوشته میشود که موافق با قانون اساسی باشند این مطالبی که گفته شد در وقت نوشته شدن نظامنامه وقت و ملاحظه شود که مخالف با قانون اساسی نباشد .

آقای میرزا ابوالحسن خان - مجلس - حق وضع قانون و نظارت در اجرای قانون هر دور را دارد و رسیده گی برایش عموماً هم حق دارد تنها نفرمایند کار مجلس قانون است ما باید همه وقت وزراء را در مجلسی علنی خواسته و توضیحات بخواهیم .

آقای میرزا ابوالحسن خان - مجلس - حق وضع قانون و نظارت در اجرای قانون هر دور را دارد و رسیده گی برایش عموماً هم حق دارد تنها نفرمایند کار مجلس قانون است ما باید همه وقت وزراء را در مجلسی علنی خواسته و توضیحات بخواهیم .

آقای میرزا ابوالحسن خان - مجلس - حق وضع قانون و نظارت در اجرای قانون هر دور را دارد و رسیده گی برایش عموماً هم حق دارد تنها نفرمایند کار مجلس قانون است ما باید همه وقت وزراء را در مجلسی علنی خواسته و توضیحات بخواهیم .

آقای میرزا ابوالحسن خان - مجلس - حق وضع قانون و نظارت در اجرای قانون هر دور را دارد و رسیده گی برایش عموماً هم حق دارد تنها نفرمایند کار مجلس قانون است ما باید همه وقت وزراء را در مجلسی علنی خواسته و توضیحات بخواهیم .

آقای میرزا ابوالحسن خان - مجلس - حق وضع قانون و نظارت در اجرای قانون هر دور را دارد و رسیده گی برایش عموماً هم حق دارد تنها نفرمایند کار مجلس قانون است ما باید همه وقت وزراء را در مجلسی علنی خواسته و توضیحات بخواهیم .

بحر الحزم در نظامنامه اساسی مازدج چتر کوتاهی نشده و گمان بنده این است همان نظام نامه اساسی کفایت میکند و حاجت نظامنامه علیحده ندارد خود انجمنها هم نظامنامه دارند که مخالف با قانون اساسی نیست.

آقای میرزا ابوالحسن خان - عقید بنده مثل عقیده جناب حاج امام جمعه و سایر آقایان است که عقیده اینست که نظامنامه از برای تمیز فیما بین صحیح و فاسد است پس يك نظامنامه از روی قانون اساسی لازم است.

آقا حاج امام جمعه - کویا اشتباه شده باشد که میگویند نظامنامه اساسی کافی است و حال این که این طوریست هر يك از موانع نظامنامه اساسی شرح و تفصیل جدا گانه لازم دارد.

آقای میرزا ظاهر - عقیده بنده اینست که مسئله اخیر ضرر ندارد و نسبت بانجمنها نفسی وارد نخواهد شد ولی در مسئله اول که تکلیف خود را منحصر بوضع قانون و نظارت در اجرا نموده ایم و حال آن که خصائص دیگر نیز مجلس دارند که از آنها تذکر می نشسته است کفایت ضروری ندارد.

رئیس - تقریباً همین جواب مقبول شد. آقا سید حسن ققی زاده - برای این که ایرادی کردم و جواب دادند و مرا شاکت نکرد لازم است که مجدداً عرض کنم تا مقصود خود را واضح کنیم که در آنجا لازم نیست که اسم پرده شود که نظامنامه نوشته می شود در قانون اساسی آن دو ماده که تصریح میکنند که اجتهادات مخالف با اساس نظام و نقل با سابق نباشد و نیز هر کس مخالف با قانون رفتار ننموده مجازات داده میشود چه از آن مجزری در لایحه سخنجانند خود جواب همین مطلب و امیدوارم و اگر نوشته شود که نظامنامه نوشته میشود جواب نخواهد شد.

رئیس - این نکته که آقای ققی زاده گفتند نه باین جهت که ذکر شد بلکه بلا محله این که ایرادی بگیرند که انجمنها خوقوف باشد تا نظامنامه آنها نوشته شود اسباب اضلال است.

آقای حاجی امام جمعه - عقیده بنده اینکه نوشته شده خیلی خوب است که برای عرض کردیم که طرف را لباس مظلومیت پوشا نید همین که گفته شود نظامنامه لازم نیست این عبارت خودش زننده است ولی همین که نوشته شود که اجتهادات هر گاه مولد فتنه دینی پدید آید باشد بر مجلس و دولت لازم است که جلوگیری شود رفع این ایرادات میشود.

آقای سید حسن ققی زاده - این فرمایش جواب عرض بنده نیست بنده هم منکر نیستم که نظامنامه نوشته نشود بلکه با آواز بلند میگویم که نظامنامه نوشته میشود ولی در این لایحه طوری نویسد که بگویند انجمنها توفیق باشد تا وقتی که نظامنامه آنها نوشته شود و آن طوری که بنده گفتم رفع این معذور را میکند و آن دو ماده قانون اساسی هم معبری شده.

آقای حاج امام جمعه - پس نزاعی در بین نیست نظامنامه نوشته میشود. آقامیرزا ابوالحسن خان - همانطور که فرمودند نظامنامه باید نوشته شود و مقاماتی هم در بین نیست (در این موقع رئیس اظهار داشتند که عده اشخاصی که باید حضور همایشی تشریف

چسته ولایت تقدیم نمایند زمین کبیله اشخاصی مجلس تعیین اشخاص را رجوع بتصویب رئیس نموده و رئیس آقای حاجی امام جمعه و آقا سید جعفر و شاهزاده اسدالله میرزا و مغیر الملک را معین کردند.

محقق الدوله - هر وقت که بنده از بازار عبور میکردم و اطفال یتیم هموطنان را در کوچه و بازار ولان میدیدم بی نهایت این وضع را اسباب شرمساری ملت میدانستم و از اینرو لایحه نوشته ام که وکلا اقدام فرموده مدرسه از برای ایتم افتتاح شده از قید این ذلت تا یکدرجه برهم این است لایحه خوانده میشود.

حاج امام جمعه - ما ایرانیها خود را عبور میشماریم و هم بطور هم بود و مسلمانان همیشه با غیرت بوده اند ولی حالا میتوانم صراحتاً بگویم که آن غیرت و حمیت اسلامی نیست در ولایات خوری دولت آمان که غریب است سالی مالیاتی خرج نموده و مکتب خانه برای ایتم تأسیس کرده است اما ماها که مسلم هستیم و در حقیقت آنقدر هم فقیر نشده ایم در تمام ممالک ایران يك مکتب خانه برای ایتم تأسیس کرده ایم چون فعلاً چشم تمام اهالی باین مجلس است و در حقیقت اینجا مرکز است این شرحی که جناب محقق الدوله گفتند و اقدام شده است بسیار خوب است که مکتب خانه برای ایتم با اسم مجلس تأسیس و افتتاح شود که سایر اهالی ممالکت هم تاسی نموده در سایر بلاد هم مکتب خانه هاتأسیس نمایند که اطفال یتیم را تربیت و از قید ذلت برهانند و بعقیده بنده اینکار از استجاب گذشته و بدرجه و جواب رسیده است (در این موقع لایحه که از کمیسیون اداره مجلس نوشته شده بود قرائت شد).

چون بتوجهات کامله حضرت امام عصر عجل الله فرجه پیشرفت کلی در نیات وامورات حاصل و اساس مشروطیت استقرار پیدا کرده بشکرانه این موهبت که کمیسیون اداره مجلس مقدس شورا در صدر برآمده که تأسیس مدرسه برای نوهالان بی بضاعت و اطفال یتیم دراننده وطن بنمایند و نگاههای یزد مردم دار الغلغله را بتوجهی خاص از صدمات غیر مساعد طبیعت حفظ نمایند لهذا برای نیل باین مقصود چنین مقرر شد که از محضر وکلای فخام استدعا شود که از وجه مقرری و حقوق وکالت بسم امانهای دو تومان برای مصارف این امر خیر تمنا شود تا بهمت عالی و توجهات کامله محترمین عظام خدمتی بسزا بدرماندگان وطن شود امید است ازراه مکرمت دروغ از این جزئی مساعدت فرمایند.

محقق الدوله - آقا میرزا ابوالحسن خان هم پنجاه تومان برای اثابه دادن و همچنین جناب حاجی امین الضرب تمام حقوق خود را و آقای ناظم الملها هم مامی ده تومان حاجی خیاط باشی مامی پنجم تومان میدهند.

آقای سید حسن ققی زاده - از جناب وزیر چونک استفسار میشود روزی بتوسطه اظهار شده در باب سر بازهائی که صورت گرفته اند قرار دهیم تا روز شنبه جواب بیست و دویز که هیچیک از وزیر حاضر نشدند حال

در باب قطعی فائزین چه اظهاری شده است عرض بمانند وزیر جنگ - آنها را در سنگی مکره در وزارت صلب معتول استطنای هستند.

آقای میرزا فضلعلی آقا - در باب مخزن میدانید که تا يك اندازه دارای اهمیت است و استحضار کامل از ترتیب آن لازم است و باید رسیدگی بشود مخزنهای ولایات شده و اینجا موجودی هر يك معین بشود.

وزیر جنگ - بعد از ارجاع این وزارت بنده بشتمام ولایات اطلاع دادم و از تمام صورت خواستم و فعلاً مشغول صورت فرستادن هستم و از بعضی جاها صورت فرستاده اند و سایر جاهها را هم تا کید کرده ام و مشغول رسیدگی هستم.

آقای میرزا فضلعلی آقا - از قرائی که بنده شنیده ام در این مدت رؤسا هر چه اسلحه از مخزن ها گرفته اند قبض داده اند و این اسلحه مخزن بر گشت نکرده و حالا موجودی مخزن جز قبض چیز دیگری نیست.

وزیر جنگ - انهم معلوم است و صاحبان آنها معین هستند و بوضوح میدهم که تمام عینا برگردده حاج سید عبدالرحمن شهشاهی - در باب خراسان که خورخانه خواسته اند مگر آنجا ذخیره نیست؟ وزیر جنگ - خورخانه هست ولی حالا برای این وقت اضافه خواسته اند این بود که يك مقدار کافی بتوسط سپه دار فرستاده شد و يك مقدار هم فرستاده میشود.

وزیر جنگ - در باب اشخاصی که با سر بازهائی نزاع کرده اند قرار شد تحقیق فرموده توضیحات بدهید آیا آن تحقیق تمام شده توضیح میتوانید بدهید؟ وزیر جنگ - تحقیق تمام شده ولی توضیح را در این مجلس نمیتوانم بدهم.

صادیق حضرت - امشب قرار است بعد از مجلس کمیسیون خارجه و جنگ حاضر شده بعضی کفتگوها بشود محض استحضار اشخاص عرض کردم. وکیل الرعایا - آن اسلحه که الیاری خواسته اند و بعضی حمل شده وارد مخزن شده و بعضی مانده میتوان سؤال کرد که ترتیب آن چیست و تکمیلش آماده شده یا نه؟ وزیر جنگ - آن اسلحه يك مقدار برای ذخیره در مخزن است و اجرا آن در منزل بنده حاضرند و همه روزها اظهار می دارند که صدوق ماندا باز کرده تعویب بگیرند و گراجه حمل آنرا میخواهند و يك مقدار هم در انوالی است.

آقای میرزا محمود - بغیر از آن سؤالی که آقا میرزا ابوالحسن خان کردند دیگر ما حق سؤال نداریم برای اینکه وزیر مشغول باید قبل از وقت به سؤالاتی که منی شود از طرف مجلس مشغول باشد.

آقای میرزا فضلعلی آقا - آن طلبی که بنده گفتم کرا را صحبت شده بود و جناب وزیر جنگ مسوق بودند. احتشام الاطیبا - قرار بود امروز مجازات وکلارا در خصوص دیر آمدن همین بنایند. احسن الدوله - این مذاکرات باید اول در کمیسیون بشود و مجلس بیاید پس بنده این کمیسیون ها که تشکیل یافته چیست؟ آقا میرزا ابوالحسن خان - سؤالی

که از وزیر مشغولی در مجلس قبل شود لازم است که در مجلس بعد جواب داده شود و این دو سؤال من از مجلس قبل است که از وزیر جنگ شده بود و حالاً تحقیق خواستیم.

حاجی میرزا علی آقا - ما را از انجمن ابالتي مشهد خواستند بتلگرافخانه در باب تفنک و تفنک چه جواب بدهم. لسان الحکما - بلی بنده همین عرض را میفرستم بکنتم حالا میتوانم سرریحا به آنها اطلاع بدهم که فرستاده شده است.

وزیر جنگ - بهمان ترتیب که در کمیسیون گفته شد فرستاده شده است. احتشام الاطیبا - کویا آنها مستقیماً خواسته اند؟ وزیر جنگ - غیر آن چیزی که بتوسط سپه دار فرستاده شد بمقداری هم تفنک مستقیماً فرستاده شده که مشغول در اجتماع مجلس گفتگو از دیر آمدن و کلاه شد بعضی گفتند در ازای هر ساعتی که دیر بیایند بیکتوانان از حقوق آنها کسر شود.

بعضی گفته اند مطابق نظامنامه داخلی هر کس در اجلاس حاضر نشد از وکالت استعفا بدهد گفته شد که مجازات نیامدن تا مجازات دیر آمدن فرق دارد مجازات نیامدن معلوم است مجازات دیر آمدن رایا به معلوم کرد.

مجلس رسمی ختم شد) مذاکرات روز ۴ شنبه ۲۶ شوال المکرم دارالشورای ملی خلاصه مذاکرات روز يك شنبه ۲۴ و آقا میرزا ظاهر قرائت کردند.

لسان الحکما - چون در مجلس قبل و خلاصه مذاکرات از آن اشخاصی که اعانه برای تأسیس مکتب ایتم داده اند اسم پرده نوشته شده ولی بعضی ها را کویا فراموش کرده اند منجمله خود بنده ده تومان از حقوق وکالت خود داده ام و آقای میسر السلطان پنج تومان مقصود این است تمام اینجا نوشته شود که فراموش نگردد. (در این موقع شروع بقرائت قانون انطباعات شده و چندین ماده از آن قرائت و پس از مباحثات زیاد تصحیح و تنقیح شده بیک ساعت از شب رفته مجلس ختم گردید.

مذاکرات روز ۵ شنبه ۲۸ شوال المکرم دارالشورای ملی خلاصه مذاکرات روز سه شنبه ۲۶ را آقا میرزا ظاهر قرائت نمودند. (شروع بقرائت قانون انطباعات شد چندین ماده از آن خوانده شده پس از مباحثات و مذاکرات تنقیح و تصحیح شد)

رئیس - موافق کانهیکه جناب مزار السلطان نوشته اند خانه موروثی خود را که از قرار نوشته خودشان تقریباً سی و چهل هزار تومان قیمت آن است برای مدرسه ایتمی که مجلس تأسیس نماید بجای آن واگذار کرده اند (صوم و کلاهی عظام از این همت و خیرخواهی ایشان اظهار تشکر نمودند) رئیس - از قرار معلوم بعضی از برادران چاله میدانی از باب تأخیر تصاص قاتل مقتولین اضطرار

و نگراتی دارند ذی خفنه اما بعد از تحقیق واستطلاع هنوز نه در حضور یکی از حجج اسلام ثابت شده و نه در وزارت عدلیه محقق شده حالا هم اگر آقایان حجج حکم بفرمایند که کدام يك از این چهار نفر قابل هستند و چهار نفر فوراً بخصاص خواهند رسید و ابتدا از طرف دولت یا ملت شدت نیست و نخواهد شد.

آقای سید محمد مجتهد - چیزی که هنوز معلوم نشده چه طور میشود صراحتاً حکم داد و تأخیر هم نشده است. وکیل الرعایا - خاطر برادران چاله میدانی خود را متوجه میکنم باینکه شاه شهید را در حضرت عبدالعظیم گولوزندند باینکه وقتی قاتل آن معلوم و معین بود مهلهای مدتی طول کشید تا استعطاق نموده و مجازات رسانیدند لابد يك حکمتی در این بوده و هست.

رئیس - مقصود این است از طرف وزارت عدلیه ابتدائاً کوتاهی و مسامحه نشده است تاملی کبیکتی از حجج اسلام یا وزیر عدلیه معلوم نشود که قاتل کدام يك از این گرفتاران است نمیشود خصاص نمود و اختیار خصاص یاده هم با وارث است کسی حق اجبار بآنها ندارد.

حاج میرزا علی آقا - پس از آنکه قاتل معلوم شد و آقایان حجج حکم بخصاص فرمودند و بر طبق آن هم دستخط صادر شد باید آن حکم را با قاتلین ببیدان برده برمد ارائه داده و مخصوصاً بصدای بلند برای مردم مضمون آن حکم را بخوانند که مردم بدانند که قصور آنها چه بوده که باین مجازات رسیدند.

رئیس - صحیح است و البته همین طور معمول خواهد شد. (مجلس ختم شد) مذاکرات روز شنبه ۲۷ غره شهر ذی القعدة الحرام دارالشورای ملی خلاصه مذاکرات روز پنجشنبه ۲۸ را آقا میرزا ظاهر قرائت کردند. شروع بقرائت قانون انطباعات شد پس از مباحثات زیاد و مذاکرات زیاد یکی دو ماده آن مجلس و هنگام غروب ختم گردید.

مذاکرات روز يك شنبه ۲ ذی قعدة دارالشورای ملی خلاصه مذاکرات روز شنبه غره را آقا میرزا ظاهر قرائت کردند. وکیل الرعایا - میخواستیم عرض نمایم که دیر روز با فرمودید چهار ساعت فروغ مانده آقایان و کلا حاضر شوند آیا گوش بنده بدشکیده و با آقایان دیر آمدند.

رئیس - خیلی تاسف میخورم که آقایان در سردو ساعت هم حاضر نشده اند. وکیل الرعایا - باید این کار تمام شود و بوجوب این دو ماده از نظامنامه داخلی که افتتاح و احتشام مجلس با رئیس است و باید عده که کفایت کند برای انعقاد مجلس قبل از وقت حاضر باشند تا شخص رئیس برای انعقاد حضور بهم برسانند.

حاجی سید نصر الله - يك كلمه عرض می نمایم که تمام این گفتگوها قطع شود در ساعت چهار حاضر شدند زود است دوسر ساعت سه یادو نیم هر کدام که باشد هر کس که دوسر وقت حاضر نشد بتقسیم متساری از حقوق آرزوش کسر کنند (اکثر تصدیق کردند).

رئیس - چون شرط است که باید اکثر آقایان حاضر شوند تا مجلس منعقد شود و بعضی ها هستند که خیلی زیاد تر از این و بها میدهند و حاضر هم نمیشوند پس باید رفع این معذور هم بشود. حاجی سید نصر الله - ایترام میتوان رفع کرد که هر کس در پنج جلسه حاضر نشود بدون عذر معزول باشد و استعفا بدهد.

رئیس - این مطلب را فردا در کمیسیون اداره مطرح نموده قرار قاطعی بگذارند من هم بدون ملاحظه مجری میدانم. آقا میرزا فضلعلی آقا - نشستن تا سه ساعت و چهار ساعت در اینجا بیشتر نمیشود و این باید يك میدانی داشته باشد و يك متقی می باید افراد مجلس آنرا معین کنند که رفاهیت اغلب برادر باشد.

رئیس - مقصود من به با چهار ساعت آمدن نیست مقصود اینست که باید آتوقتی را که معین میشود در سر وقت بیایند زمستان است تماشاچیان اینجا منزل معینی ندارند ترتیب باید صحیح باشد که تکلیف هر کس معلوم باشد.

آقا میرزا فضلعلی آقا - در هر صورت این را باید اهل مجلس معین کنند که می توانند در آنوقت حاضر شوند و ملاحظه حال اغلب هم در آورند.

آقای میرزا محمود خوانساری - کمیسیون اداره مجلس برای رسیدگی کار های مجلس است باید این مطلب را مجلس معین کند که مقصود ما از دیر آمدن همان اهل مجلس نیست اجزاء کمیسیون هم دیر می آیند و دیگر اینکه این مطلب تعیینش با رئیس است باید رئیس معین کند که در فلان ساعت حاضر شوند بدون کم و زیاد پس نباید اینقدر گفتگو کرد و همان مطلب را که جناب حاجی سید نصر الله فرمودند که هر کس در پنج مجلس حاضر نشد استعفا بدهد این مطلب را قانونی کنید چه ضرر دارد.

محقق الدوله - بنده هم عرضی داشتم مقابل فرمایش میرزا فضلعلی آقا ما اینجا جمع شده ایم به جهت اصلاح امور تمام این ممالکت اگر کار شخصی مانع است نمیتواند باید استعفا بدهد و حقوق مردم را ضایع نکند.

آقای میرزا فضلعلی آقا - من توضیح میکنم که بدانند ایراد نگیرند من میگویم ملاحظه رفاهیت اغلب باید بشود که در موقع معین حاضر شوند. رئیس - مقصود جناب آقا میرزا فضلعلی آقا اینست که در هر وقت گفته شد مجلس منعقد شود همان ساعت تماماً حاضر شوند. محقق الدوله - عرض بنده هم همین است که در هر ساعت که ریاست مجلس اطلاع داد مجلس منعقد شود باید تماماً در آن ساعات حاضر شوند اگر کار شخصی مانع است و نمیتواند باید استعفا بدهد. آقا سید حسن ققی زاده - بیشتر این مطلب چه مهم وقت امروز را ضایع نماید همان فرمایشی

که جناب رئیس بدو فرمودند صحیح است که هر کاری که بیسویی دارد این مسئله هم در کمیسیون اداره طرح شده و قانونی بجهت مجازات اشخاصی که دیر می آیند معین مینمایند پس از تصویب این را يك ماده قانونی نموده بر نظامنامه داخلی افزوده می کنیم والا اینجا هر کدام يك چیزی بنظرش می رسد میگوید دیگری ایراد وارد مینماید تا آخر مجلس طول میکشد .

آقامیرزا ابوالحسن خان - همان طوری که جناب آقا فرمودند صحیح است این تکلیف اعضا مرتبه است که معین نمایند ولی این يك کلمه را عرض میکنم ماها که وکیل شدیم نوکر مجلس هستیم دیگر کار شخصی را نباید مانع قرار بدهیم یعنی وقتیکه وکیل شدیم نوکر این مجلس هستیم و هر وقت که ریاست مجلس اطلاع دادند در فلان ساعت مجلس منعقد شود باید عموماً حاضر شویم .

آقاسید حسن تقی زاده - بنابود کمیسیون ها راپورت خود را بدهند به مجلس و تاکنون ندادند **سیدالحکماء** - شما کی وقت دارید که ما راپورت بدهیم .

(آقای حاج سید نصرالله خواستند راپورت کمیسیون تنقیح لوایح قانونی را اظهار دارند جواب داده شد که باید کتبا راپورت داده شود)

رئیس - تمام کمیسیون ها روز سه شنبه باید راپورت کارهای خود را کتبا بدهند که عموم مطلع شوند (در این موقع شروع بقرائت قانون انتظارات شده چندین ماده قرائت و تصحیح شده شروع به مذاکرات دیگر شد)

آقاسید عبداللّه مجتهد - عرض من دو فقره است یکی هفته گذشته دورتبه ماراطباء خراسان احضار کردند تلگرافخانه و مامم من باب احترام ایشان حاضر شدیم و گفتند تمام امیان و اشراف خراسان و علما در تلگرافخانه حاضر و از بابت این که ترکان با نصفیات حمله نموده متوحش شده بود يك اندازه الت نازبه خواسته بودند ما هم بوزیر داخله و وزیر جنگ گفتیم وجواب دادند که دوماه تفنگ و سی هزار فشنگ توسط سیه دار فرستاده شده که از استرآباد فرستاده شود و بدهیم پنجه از فشنگ و باند تفنگ مستقیم فرستاده شده حال جمعی از اهالی خراسان اینجا آمدند گفتند هیچ فرساده نشده و اینطور صحیح نیست که قول ما مقرون بصواب نباشد ما باهتاد قول وزارت جنگ و وزیر داخله تلگراف کردیم حال صحت نداشته باشد صحیح نیست .

رئیس - اهالی انجن خراسان از کجا میگویند و چه میدانند که فرستاده نشده .

آقاسید عبداللّه مجتهد - سردار معزز هست اینجا یا نه اطلاع دارند .

رئیس - گمان نمیکند سردار معزز هم بدانند شما که حال وزیر جنگ را میدانید که چگونه در امورات سامی هستند .

آقامیرزا ابوالحسن خان - حضرت حجة الاسلام باید قول وزیر جنگ و وزیر داخله را راست بدانند تا وقتیکه تحقیق شده دروغ آن معلوم شود حالا هم خوب بود حضرت حجة الاسلام از خودشان

نفر خواهد شد .

آقامیرزا ابوالحسن خان - این ما ستوال و جواب است ما رجوع می نمایم برای اولی مجلس چنانچه این شخص مقصر بوده و رای داده شد باید استناد کی نموده مجازات او را بخلو بدهد و قرار بود در اول ماه شوال این عمل ختم شود و ما استرداد اسرا را از دولت که قوه مجریه است می خواهیم هر وقت دولت عاجز شد آنوقت مجلس چاره دیگری اظهار می نماید .

آقامیرزا محمود خوالساری - خدا را شکر می نمایم که هرچه در این مجلس گفتند صدیق بود و بموجب نوشته جناب حاج میرزا حسین سبزواری و بموجب معاکمه که در دربار و عالیله شد بموجب تصدیق دیگران که همه آنها صدیق بودند ولی بنده عرض میکنم ما عرضی نداریم مقصودمان استرداد اسراست بول میخواست بدهد همان رشید نظام و دیگران هستند که پول بآنها داده شد و آنها اسرا را مسترد دارند لیکن باین طور که فرمودید ملت يك اطمینانی میخواهند که اگر از اینجا رفت و آمد نمود بتوانند از او بگیرند .

آقاسید عبداللّه مجتهد - معنی کفیل چیست معنی کفیل این است که اگر اوردت و این کار را نکرد او را بدست شما بدهند .

آقامیرزا محمود خوالساری - هر گاه مجلس و ملت در این باب اطمینان دارند چه ضرر دارد .

آقاسید عبداللّه مجتهد - سالار مفضم ضامن و کفیل صحیح میدهد که رفته اسرا را مسترد داشته بشا بدهد و هر گاه نکرد آن کفیل ضامن است که خود او را بشا بسپارد .

حاجی سید محمد آقا - ضامن معتبر صحیح و املاکی را که می فرمائید بدهد و این شخص را آسوده کنند اسرا مسترد می شود و الا اسرا مسترد نخواهند و روز بروز بدتر میشود .

وکیل الرعایا - اول باید فهمید که استرداد اسرای ایران از ترا که منحصر بیک شخص شده از برای چیست اگر بقوت دولت است که قوت دولت منحصر بشخص واحد نیست اگر جناب رئیس مجازات را تا غرض شوال محول می فرمودند تا حال خود ملت مجازات او را داده بودند و نمیشود يك نفر را که مقصر دولت و ملت است مجدداً او را چنین قوتی بدهند که برود اسباب فساد شود .

آقا شیخ حسین - از بابت ملك و ضامن يك دفعه ملكی است که هیچ وجه نمیتوان فایده از آن ملك برد و ضامن هم کسی است که مدتی واسطه از برای او پیدا می شود اگر ملك صحیح باشد و بطور شرعی وثیقه گذارده شود و ضامن هم علی الظاهر شخصی باشد محترم تر از او در اینصورت بنده عرض میکنم که او را مرخص ننمایند برود و اسرا را مسترد سازد شاید خودش که برود از از همان اشخاصی که اسرا را برده بودند خواهش نماید مسترد دارند .

آقاسید عبداللّه مجتهد - اولاً باید فهمید کرد که این آدم را که میگویند از عهد این کار میتواند بر آید یا نه و نیز این املاک مال است یا نه و آن ضامن که میگوید پس از منقضی شدن وقت تن بجس می دهد یا نه باید اینها را تحقیق نمود .

حاج سید باقر - این کار را بزور باوری خود تنها می نمایم یا بسبب پول و آدم این کار را می نمایم که پول است که لازم بر رفتن اونست و او شخصاً همچو زور می بازوری ندارد .

آقاسید حسین - حبسش برای این بود که پس از استرداد اسرا بحکم قانون مجازات هم داده شود نه اینکه يك همچو مقصری را رها کنند برود **دکتروالی الله خان** - این مذاکرات که میشود از ضامن گرفتن باگرو و پول گرفتن داخل اجرائیات است و مجلس ابدأ داخل در اجرائیات نمی شود .

آقاسید حسن تقی زاده - هیچانی که در انسان پیدا میشود از روی عقل نیست بلکه از روی عشق است مجلس شورای ملی بجهت این مسئله داخل در يك هیچانی شده که در حقیقت در اجرائیات مداخله نموده و يك محکمه عالی برای این مطلب شد و دولت هم اجازه داده بود بعضیها میگویند که کار را از روی عقل باید کرد من میگویم در این مواقع باید از روی عشق کار کرد این مسئله علت خارجی و داخلی و جهات بولتیکی دارد اگر مجلس بخواهد این مسئله را بجای نرساند دیگر حرف او در نظر ملت اعتباری نخواهد داشت هر وقت که این مسئله یاد می آید از حال طبیعی خارج میشود و کاش سالار مفضم در حبس میبرد و متذکر این مسئله می شدیم اشخاصی که میخواهند باو رحم بکنند بآن محبوسین بیچاره یعنی صاحبان اسرا که در خیابانها و پلان و محبوسانند و اکثر روزها اینجا حاضرند و در کوچه و بازار جلوی مارا گرفته ناله میکنند رحم نمایند ما اگر در مجلس جهت این مطلب روضه خوانی میکنیم حق داریم و قرار بود که تا غرضه شوال اگر اسرا را مسترد نداشت مجازات شود ولی معلوم میشود که فراموش کردیم پس خوب است حالا که مجلس رای خودش را مجری نداشت همانطور فراموش مان باشد و بظاهر نیاوریم که بیشتر اسباب افتضاح مان شود بهمان نحو در حبس باشد تا بمیرد .

آقاسید حسین - نه خیر ایشان رفتنی نیستند .

آقامیرزا ابوالحسن خان - ما و کلاهچ وقت از وزیرا نخواستیم که فلان حاکم برود مافضا امنیت آنجا را خواستیم گفتند علاوه الدوله حاکم است ما هم قبول نمودیم آن روز خدمت حضرت حجة الاسلام آقای آقا سید عبدالله رفتند تلگراف خانه و تائب الحکومه برای خود معین کرد حالا معلوم می شود باز استمفا داده اند آقا علاوه الدوله را دولت معزول کرده حق دارد و اگر مردم نمیخواستند و دولت صلاح میدانند که باین طور باشد و حق دارند در این صورت ما هم هیچ حق ایرادی نداریم اما همین قدر میگویم که دیگر حق فروختن مملکت را ندارند اگر این را هم اجازه میدهند که ماقبول نمایم پس خوب است اهل شیراز برای خود فکر حاکمی نمایند .

رئیس - انشاء الله دو روز دیگر این مسئله تمام میشود .

(مجلس ختم شد)
مذاکرات روز سه شنبه ۴ ذیحجه دارالشورای ملی

خلاصه مذاکرات روز یکشنبه دوم آقامیرزا طاهر قرائت کردند .

وکیل الرعایا بطور خصوص سالار مفضم در خلاصه مذاکرات مجلس چیزی نوشته شده بود که اشتباه شده مجلس هیچ وقت نمیتواند عمل سالار را از خود مجزی نماید .

رئیس - صحیح است يك برای در این خصوص بیشتر نبود .

آقاسید حسین - مجلس چندین دفعه در این باب رای داده که سالار مفضم در حبس ماند تا اسرا استرداد شوند و آن وقت ب مجازات برسد .

(در این موقع شروع بقرائت قانون انتظارات شده و چندین ماده قرائت و تصحیح شده مجدداً شروع بمذاکرات شد)

آقامیرزا سید محمد مجتهد - بنده پیام داده بودم بجناب علاوه الدوله که چرا نیاید

بشیراز بر حسب اصرار و کلامی شیراز و غیره جوابی خواستم به من بیغام دادند که باین اقتضاح که بریز روز بسر من آوردند نمیتوانم بزوم و حال آنکه من تهیه لوازمات خودم را دیده بودم میدانند آقایان که در مدرسه صدر بواسطه چند نفر چه اقتضای کردند بیشتر این فسادها زیر سر این چند نفر است نمیتوانند مردم آسوده باشند .

حاج امام جمعه - در این ماده من حرف دارم اولاً از و کلاه میرسم که ما خود را وکیل عموم ملت و مسئول خدا میدانیم یا نمیدانیم یا اینکه فقط هر کدام خود را وکیل شهر خودمان میدانیم اگر خود را وکیل تمام مملکت میدانیم امروز چه روز بلکه دو ماه است که شیراز يك قطعه از خاک این مملکت است حاکم ندارد و هر چند روز يك دفعه يك هیچانی نموده باز ساکت می شویم آخر شما وکیل تمام مملکت هستید چرا از وزراء مسئول خودتان امنیت و حاکم آنجا را نمیخواهید .

آقامیرزا سید محمد مجتهد - آخر علاوه الدوله باید برود بشیراز یا نه ؟

رئیس - نه خیر ایشان رفتنی نیستند .

آقامیرزا ابوالحسن خان - ما و کلاهچ وقت از وزیرا نخواستیم که فلان حاکم برود مافضا امنیت آنجا را خواستیم گفتند علاوه الدوله حاکم است ما هم قبول نمودیم آن روز خدمت حضرت حجة الاسلام آقای آقا سید عبدالله رفتند تلگراف خانه و تائب الحکومه برای خود معین کرد حالا معلوم می شود باز استمفا داده اند آقا علاوه الدوله را دولت معزول کرده حق دارد و اگر مردم نمیخواستند و دولت صلاح میدانند که باین طور باشد و حق دارند در این صورت ما هم هیچ حق ایرادی نداریم اما همین قدر میگویم که دیگر حق فروختن مملکت را ندارند اگر این را هم اجازه میدهند که ماقبول نمایم پس خوب است اهل شیراز برای خود فکر حاکمی نمایند .

رئیس - انشاء الله دو روز دیگر این مسئله تمام میشود .

فخر الساعات - الان چه روز است که میفرمائید امروز فردا دوست می شود و نزدیک است مملکت از دست برود و آن دو تلگراف که آمده در کمیسیون داخله ملاحظه فرموده اید تا کی باید آنجا بی حاکم باشد ؟

آقامیرزا ابوالحسن خان - باز ما داخل در بعضی شمولات می شویم که وظیفه ما نیست با وزیر داخله است باید ایشان حضور داشته باشند و این گفتگو ها بشود .

آقاسید حسین - این قدرتی که میخواهید بشخص حاکم بدهید باین شخص بشهید که حکام را تعیین می نماید یعنی وزارت داخله که هر آنی شخصی را بجهة حکومت برای جانی معین نماید با کمال قدرت فوراً حرمت نماید و فردا باید حکومت شیراز برود و هر کس را که وزیر داخله معین می نماید مختار است .

میرزا ابوالحسن خان - در باب فارس بنده يك نفر هیچ حرفی ندمام میگویم دولت دوست و بیست هزار تومان طلب کار است امسال هم هنوز چیزی نداده است تیر بز شا که چیزی نمیده دست میگیرد چیزی که بدولت هایه می شود از فارس است و ششصد هزار تومان از فارس در سال باید بدهد

اگر این هرج و مرج باشد ما مبالغی باید کسر مالیه داشته باشید و آنها طالب هرج و مرج اند هنوز امیدواری ما دارند عرض میکنم اگر این طور باشد شما صاحب مملکت نیستید و از فارس فریبیدو کرور متضرر مالیه می باشید .

وکیل الرعایا - باید بدانیم که چه شد این گفتگوها پیش آمد و آن ظالمین حالاً مظلومین شدند و چه شد که حالا بدتر از پیش همان طور ظالم میکنند تمام اینها برای همین است که پول در این مملکت کارها را بصورت میدهد همان ظالم اولی که این پولها را داده بواسطه این بود که مظلوم واقع شد باید فهمید که چه شد آن ظالم مظلوم شد آیا نباید این را فهمید که چه شد و ما حق نظارت نداریم که بدانیم ؟

آقامیرزا ابوالحسن خان - بنده سامی حاجی قوام نیستم و اگر من بخواهم حمایت از شخص ظالم بکنم از همه چیز دست نرم میگویند کی ظالم را مظلوم کرد همان هائیکه اینجا چادر زدند و او را خواستند نمایند آن طوریکه می گویند حالا که ما نمی گوئیم قوام الملک مظلوم است بما چه این ها حق دولت است اگر او را ظالم میدانند چرا بدهد نمایند بدهد میخواستند بفرستند می خواهد بفرستد ما که حالا نمی گوئیم قوام الملک برود بما چه او هم مثل سایرین يك نفر آدم است کاری باو نداریم که ظالم است یا مظلوم ما حالا برای شیراز حاکم می خواهیم چه کار بقوام الملک داریم اختیار امر قوام الملک با دولت است نه با ما هر چه اصلاح می دانند باو رفتار نمایند نظارت ما اینست که امنیت شیراز و حکومت آنجا را از دولت بخواهیم .

آقاشیخ حسین - بعضی صحبتها در این مجلس کردند و میکنند در حقیقت خوب نیست کتابه گفتن که هر کس بر بخورد حالا کار ندارم من برای علاوه الدوله حرف نمی زنم ما از وزیر داخله وصول مالیات و امنیت مملکت را میخواهیم هر حاکمی که اینکار و این مسئولیت را قبول کند خوب است اما چون وکیل سی کرور هستم میگویم که دو نفر شخص بانفوذ و با نفوذ وقتی که با هم ضد شدند اسباب انقلاب يك مملکت میشوند همان قوام که میگویند مضر است و بنظر میرسد الملک هم مضر است .

وکیل التجار - مجلس در خصوص شیراز آنچه لازمه جد وجه بود کرد و نرفتن علاوه الدوله بواسطه اینست که خود اهالی شیراز دو دسته اند اینکه گفته می شود از وزیرا باید بخواهیم ما باید حفظ حقوق و حدود وزیرا را بنمائیم و بآنها قوت و قدرت بدهیم تا بتوانند اجرای احکام کنند و هر کسی را خواستند روانه دارند .

آقاشیخ یوسف - بنده سابق عقیده ام این بود که امثال رحیم خان و قوام الملک و غیره ظالم بوده اند ولی حالا عقیده ام برکشته است که از این ها مظلوم تر کسی نیست و مصوم هستند دیگر عرضی هم ندارم .

آقاسید حسن تقی زاده - مشروطیت فقط يك چیزی نیست که هر کس اعتقاد دارند آنها را وزیر کنند و وقتیکه وزیر شدند هر چه میخواهند بکنند مطلب دو چیز است یکی اینکه باید اعتماد داشته باشیم یکی دیگر اینکه نظارت ما متوجه حال ایشان باشد

